

بررسی تطبیقی جرایم هتک حرمت منزل و تهدید اشخاص

دکتر حسین میرمحمدصادقی*

چکیده

اسناد و مدارک بین‌المللی و نیز قوانین اساسی کشورهای مختلف حقوق بنیادینی را برای آحاد مردم به رسمیت شناخته‌اند و در جهت تضمین رعایت آن‌ها ضمانت‌اجراهی کیفری علیه ناقضان این حقوق در قوانین عادی کشورها پیش‌بینی کرده‌اند. دو مورد از موارد نقض این حقوق بنیادین که موجب تحقق جرم «هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص» و جرم «تهدید اشخاص» می‌شود، در این مقاله، با اشاره به مواد ۵۸۰، ۶۹۴ و ۶۶۹ «قانون مجازات اسلامی» و برخی از مواد مرتبط دیگر، و نیز در مقایسه با حقوق انگلستان، فرانسه و اسکاتلند مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. جرم‌انگاری نقض حریم منزل اشخاص از سوی ماموران دولتی و نیز اشخاص عادی در «قانون مجازات اسلامی» در راستای ضمانت‌اجرا قائل شدن برای «اصل ۲۲ قانون اساسی» جمهوری اسلامی ایران، که مسکن اشخاص را مصون از تعرض دانسته، پیش‌بینی شده است. ماده‌ی ۵۸۰، اکراه شدن مامور را در اجرای اوامر روسای خود باعث معافیت مامور از مجازات دانسته و ماده‌ی ۶۴۹ ارتکاب دسته‌جمعی و مسلحانه‌ی جرم ورود به منزل و مسکن دیگری را باعث تشدید مجازات دانسته است. جرم‌انگاری تهدید اشخاص در ماده‌ی ۶۶۹ «قانون مجازات اسلامی» در راستای جلوگیری از ایجاد ترس و واهمه در اشخاص، که در اسناد بین‌المللی هم مورد تأکید قرار

* دانشیار دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

گرفته، پیش‌بینی شده است. این جرم با هر نوع تهدید شخص نسبت به آنچه که برای وی زیان‌بار یا ناخوشایند است رخ می‌دهد، اعم از این که تهدید نسبت به خود شخص یا وابستگان به وی انجام گیرد.

کلید واژگان

هتک حرمت، منزل، مسکن، تهدید، ضرر، حریم خصوصی.

دیاچه

انسان‌ها در زندگی اجتماعی از حقوق و وظایف گوناگونی برخوردار هستند؛ بی توجهی به هریک از این حقوق و وظایف ممکن است موجب ناخوشایندی زندگی روزمره برای آحاد مردم شود. به این ترتیب، در قوانین اساسی کشورهای مختلف و نیز در برخی از اسناد بین‌المللی راجع به حقوق بشر اهم این حقوق مورد تاکید قرار گرفته‌اند. به علاوه، گاه برای تحکیم آن‌ها ضمانت‌اجراهایی هم در قوانین کیفری کشورها پیش‌بینی شده است، تا شاید تهدید به مجازات بتواند جلوی نقض این حقوق را از سوی متجاوزان بالقوه بگیرد.

از زمره‌ی مهم‌ترین این حقوق، که هر شخصی باید از آن‌ها برخوردار باشد، یکی رعایت حرمت منزل یا مسکن اشخاص و دیگری حق آزاد بودن آنها از هرگونه ترس و واهمه است. در این مقاله نقض این دو حق که یکی موجب تحقق جرم «**هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص**» و دیگری جرم «**تهدید اشخاص**» می‌شود، طی دو بخش مختلف در حقوق ایران و انگلستان مورد بررسی قرار گرفته و به مناسبت اشاره‌هایی نیز به حقوق فرانسه و اسکاتلند خواهد شد.

۱. هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص

۱-۱- مقدمه

یکی از حقوقی که همه‌ی انسان‌ها باید از آن برخوردار باشند، مصون بودن مسکن آن‌ها از هرگونه تعرض و هتک حرمت ناروا می‌باشد. این امر در اصل بیست و دوم «**قانون اساسی**» جمهوری اسلامی ایران مورد تاکید قرار گرفته، که اشعار می‌دارد: «**حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند**». رعایت حریم خصوصی اشخاص در خانه‌ی در آموزه‌های اخلاقی و دینی نیز مورد تاکید قرار گرفته است. از جمله قرآن مجید مومنان

را از ورود به خانه‌های دیگران بدون کسب اجازه منع کرده است.^۱ ضمانت اجرای اصل بیست و دوم «**قانون اساسی**» در مواد ۵۸۰ و ۶۹۴ «**قانون تعزیرات**» پیش‌بینی شده است. ماده‌ی ۵۸۰ راجع به نقض حریم منزل اشخاص از سوی مستخدمان و ماموران دولتی و ماده‌ی ۶۹۴ راجع به نقض این حریم از سوی اشخاص عادی است. به این ترتیب، خلا و اشکال موجود در «**قانون مجازات اسلامی**» (در مورد عدم پیش‌بینی ضمانت اجرا برای هتک حرمت مراسلات، مخابرات یا مکالمات تلفنی از سوی اشخاص عادی) در مورد هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص وجود ندارد. توضیح این که مقنن ایران در ماده‌ی ۵۸۲ در تعیین ضمانت اجرای حقوق مذکور در اصل بیست و پنجم قانون اساسی، برای هریک از مستخدمان و ماموران دولتی که مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده است، حسب مورد، مفتوح، توقیف، معدوم، بازرسی، ضبط یا استراق سمع نماید، یا بدون اجازه‌ی صاحبان آن‌ها مطالب آن‌ها را افشا نماید، حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال تعیین کرده است. به این ترتیب، برخلاف مقنن فرانسوی که با اصلاح قانون جزای فرانسه ارتکاب این جرم را برای اشخاص عادی نیز، علاوه بر مأمورین دولتی، پیش‌بینی کرده، مقنن ایران با اقتباس از ماده‌ی ۱۳۸ «**قانون مجازات عمومی**» سابق، که از قانون جزای فرانسه قبل از اصلاح آن اقتباس شده بود، ارتکاب این جرم را تنها از سوی مستخدمان یا مأموران دولتی پیش‌بینی کرده است. از این لحاظ ماده‌ی ۱۵ «**قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران**» بهتر تدوین شده و برای هرکس که مراسلات را افشا یا امانات را برداشت، بازرسی یا توقیف نماید مجازات تعیین کرده است. در مورد موضوع مورد بحث

۱. آیات ۲۸-۲۷ سوره‌ی نور.

در این بخش، یعنی هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص، ماده‌ی ۵۸۰ اشعار می‌دارد: «هریک از مستخدمین و مامورین قضایی و غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد، بدون ترتیب قانونی، به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود، به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد...».

این جرم، همان طور که متن ماده به آن تصریح می‌کند، از سوی مستخدمان و ماموران قضایی و غیرقضایی دولت، بدون توجه به نوع استخدام آن‌ها، و نیز کسانی که در استخدام دولت نیستند ولی خدمت دولتی به آن‌ها ارجاع شده است قابل ارتکاب می‌باشد. نمونه‌ی اشخاص دسته‌ی اخیر، کارآگاهان خصوصی هستند که ممکن است با نیروی انتظامی یا دادستانی، چه در مقابل اخذ حق الزحمه و چه بدون آن، همکاری کنند.

۲-۱- عناصر مادی و روانی جرم

سه بخش عنصر مادی جرم موضوع این ماده (رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم و نتیجه) به شرح زیر است:

رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم، ورود به منزل دیگری است. مهم‌ترین شرط تحقق جرم آن است که این ورود بدون اذن صریح صاحب خانه یا رضایت وی (که در واقع اذن ضمنی است) و بدون رعایت ترتیب قانونی و با سوءاستفاده‌ی مامور از قدرت دولتی صورت گرفته باشد. بنابراین ماموری که شب هنگام به طور پنهانی وارد منزل دیگری می‌شود، مشمول این ماده نخواهد بود، بلکه ممکن است به اتهام ورود به عتبات یا تهدید به منزل یا مسکن دیگری مشمول ماده‌ی ۶۹۴، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، شود.

ورود با فعل مثبت انجام می‌شود و اعم از آن است که از راه‌های معمول (مثل در ورودی) یا از راه‌های غیرمعمول (مثل پنجره و دیوار) صورت گیرد.^۲ لیکن اگر مرتکب قبل از ورود (مثلاً در حالی که در حال بازکردن در یا نشسته بر روی دیوار است) دستگیر شود، این جرم محقق نخواهد شد.

پرسشی که در این جا ممکن است پیش آید این است که هرگاه قسمتی از بدن شخص (مثلاً سر و گردن تا کمر وی) وارد شده باشد ولی واردکردن باقی بدن با مانع مواجه شود، آیا جرم ورود غیرمجاز تحقق یافته است یا خیر؟ این موضوع در یکی از پرونده‌های انگلیسی به نام «کولینز»^۳ در مورد جرم «Burglary» (یعنی ورود غیرمجاز^۴ به ساختمان متعلق به غیر به قصد ارتکاب یکی از جرایم سرقت، ایراد صدمه‌ی شدید جسمانی، تخریب یا تجاوز جنسی) که با جرم مورد بحث ما قرابت دارد در سال ۱۹۷۳ مطرح شد. در این پرونده مرد جوانی نردبانی را پشت دیوار اتاق خواب دختری قرار داده و از آن بالا رفت تا از طریق پنجره وارد اتاق شده و دختر را که برهنه خوابیده بود، مورد تجاوز جنسی قرار دهد. پس از آن که مرد بخشی از سر و شانه‌ی خود را از پنجره درون وارد اتاق کرده بود، دختر بیدار شد و با دیدن مرد تصور کرد او دوست پسرش است، که می‌خواسته به این شکل دیداری غیرمنتظره از او به عمل آورد و وی را شوق زده نماید! دختر با این تصور آن مرد را از روی لبه‌ی پنجره به داخل کشید و آن‌ها با هم آمیزش کردند. لیکن، پس از انجام این کار و روشن کردن چراغ، دختر به اشتباه خود پی برده و با زدن یک سیلی به گونه‌ی آن مرد وی را بیرون انداخت. در این جا بی‌گمان جرم تجاوز جنسی یا زنای به عنف به دلیل رضایت دختر منتفی است لیکن دادگاه باید در مورد تحقق

۲. رک. پاد، ابراهیم، **حقوق کیفری اختصاصی**، جلد ۱، تهران، انتشارات رهام، ۱۳۸۱، ص. ۲۰۵.

3. Collins [1973] QB 100.

4. Trespass.

یا عدم تحقق جرم «Burglary» نظر می‌داد. با توجه به این که برای تحقق جرم مورد بحث، ورود غیرمجاز، یعنی ورود به عنوان متجاوز، ضروری است، پرسشی که باید به آن پاسخ داده می‌شد شاید به باریکی لبه‌ی پنجره بود! یعنی این که در زمان دعوت دختر چه مقدار از بدن مرد داخل اتاق شده بود و آیا به صرف ورود بخشی از بدن مرد که قبل از دعوت دختر داخل اتاق شده بود، می‌توان ورود غیرمجاز، و به تبع آن جرم «Burglary» را محقق دانست؟ در این باره دادگاه استیناف^۵ نظر داد که ورود غیرمجاز، به عنوان پیش شرط جرم «Burglary» منوط به تحقق یک ورود مؤثر^۶ و اساسی^۷ است.^۸

در پرونده‌ی «براون»^۹ در سال ۱۹۸۵ دادگاه استیناف، در مورد کسی که هنگام دستگیری نیمه‌ی بالای بدنش داخل ویتترین مغازه‌ای شده و نیمه‌ی پایین وی هم چنان بیرون بود، تعریف مذکور در پرونده‌ی «کولینز»^{۱۰} را گسترش داده و تنها مؤثر بودن ورود را کافی دانست. همین معیار در پرونده‌ی «ویان»^{۱۱} در سال ۱۹۹۶ توسط دادگاه استیناف پذیرفته شد. در این پرونده، در مورد متهمی که سر و دست راست خود را از پنجره داخل خانه‌ای کرده ولی گردن او گیر کرده و قادر به ورود کامل نشده بود، ورود غیرمجاز و به تبع آن جرم «Burglary» محقق دانسته شد.^{۱۲}

5. Court of Appeal.

6. Effective.

7. Substantial.

۸. در مورد جزئیات این پرونده، رک. میرمحمدصادقی، حسین، **تحلیل مبانی حقوقی جزا**، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، صص. ۲۲۱-۲۱۲.

9. Brown [1985] Crim LR 212.

10. Ryan [1996] Crim LR 320.

11. See: Jefferson, Michael, **Criminal Law**, London, Financial Times, 4thed., 1999, p.444.

به نظر می رسد با توجه به برداشتی که عرف از کلمه‌ی «ورود» دارد، از نظر حقوق ایران، برای شمول ماده‌ی ۵۸۰ و مواد مشابه، صرف ورود بخش‌هایی از بدن (مثل سر و گردن، دست یا پا و نظایر آن) «ورود به منزل غیر» محسوب نمی‌شود بلکه این موارد در صورت پیش‌بینی مقنن، می‌تواند به عنوان شروع به جرم قابل تعقیب و مجازات باشد.

منظور از منزل مذکور در ماده‌ی ۵۸۰ هر مکانی است که فرد، به طور موقت یا دائم، به عنوان مالک، مستاجر یا هر عنوان قانونی دیگر، برای سکونت خود برگزیده است. این که جنس مکان مزبور بتونی، خشتی، گلی و یا از نی، حصیر، چادر یا به شکل کاروان‌های سفری و نظایر آن‌ها باشد و هم‌چنین حضور یا عدم حضور صاحب خانه یا ساکنان دیگر، به هیچ وجه شرط نیست. به علاوه متعلقات عرفی محل، مثل حیاط و پارکینگ، نیز تحت شمول قرار می‌گیرند و بخشی از منزل محسوب می‌شوند. لیکن مکانی که برای سکونت ساخته شده ولی هنوز هیچ کس در آن ساکن نیست و به وسایل زندگی مجهز نشده است منزل محسوب نمی‌شود.^{۱۲}

منظور از «ترتیب قانونی»، که در صورت رعایت آن مرتکب مشمول ماده‌ی ۵۸۰ نمی‌شود، مواردی است که طبق قوانین مختلف، و به ویژه مقررات راجع به آیین دادرسی کیفری، اجازه‌ی ورود به منزل و تفتیش آن به ماموران دولتی داده شده است. این ترتیبات شامل موارد فورس‌ماژور یا قوه‌ی قاهره (مثل سیل و آتش سوزی و زلزله) هم می‌شود؛ در چنین شرایطی ماموران امداد، حسب وظیفه‌ی خود، برای کمک رسانی وارد منازل اشخاص می‌شوند بدون این که مرتکب جرمی شده باشند.

۱۲. به نظر دکتر گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۰، ص. ۲۲۲: «وجود وسایل زندگی در محل بهترین شاخص سکونی بودن محل است». آقائی نیا، حسین، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۱. شرط لازم دیگر این است که: «سکونت در مفهوم عرفی آن باید عملاً شروع شده و خاتمه نیافته باشد».

از لحاظ **عنصر روانی**، جرم هتک حرمت منزل یا مسکن اشخاص جرمی مطلق است و به صرف ورود غیرمجاز محقق می شود، بدون این که حصول نتیجه برای تحقق این جرم ضروری باشد. برای تحقق جرم ورود به منزل دیگری، «**عمد در ورود غیرمجاز به منزل غیر**» ضروری است. بنابراین ماموری که به غلط ولی صادقانه تصور کند که صاحب خانه یا مقام قضایی ذیصلاح به او اذن ورود داده است، یا آن منزل را به اشتباه منزل خود بپندارد و وارد آن شود یا این که تحت تاثیر «**از خود بی خودی**» ناشی از مصرف مواد توهم زا به منزل دیگری وارد شود، مشمول مادهی ۵۸۰ نخواهد شد.

۳-۱- موارد معافیت از مجازات

مقنن در انتهای مادهی ۵۸۰ به مامور اجازه داده با اثبات این که «به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت او بوده اقدام کرده است»، از مسئولیت کیفری بگریزد؛ «که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد»؛ با توجه به سیاق عبارت، به نظر می رسد منظور از «مکره به اطاعت امر او بوده» اشاره به اکراهی که موجب زوال اختیار مأمور شده و در مادهی ۵۴ «**قانون مجازات اسلامی**» مورد حکم قرار گرفته نمی باشد^{۱۳}، بلکه منظور از این عبارت آن است که مامور باید «موظف به اطاعت از امر آن فرد بوده باشد»، یعنی همان شرطی که در بند اول مادهی ۵۶ «**قانون مجازات اسلامی**» ذکر شده است. البته بدیهی است که رعایت شرط مذکور در مادهی ۵۷ «**قانون مجازات اسلامی**» نیز ضروری می باشد، یعنی مامور باید امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور این که

۱۳. برای ملاحظه ی نظر مخالف، رک. آقائی نیا، حسین، پیشین، ص. ۲۰۲.

قانونی است اجرا کرده باشد تا بتواند از مسئولیت کیفری بگریزد و گرنه، طبق ماده‌ی ۵۷ مذکور، آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند.

مقنن در پایان ماده‌ی ۵۸۰ مقرر داشته است که مرتکب یا آمر در صورتی که سبب وقوع جرم دیگری (مثل توهین، ضرب و جرح و غیره) هم شده باشند، به مجازات آن جرایم نیز محکوم می‌شوند، و چنانچه ورود به منازل غیر را در شب (یعنی در فاصله‌ی بین غروب تا طلوع آفتاب)^{۱۴} مرتکب شده باشند به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

۴-۱- ارتکاب جرم از سوی افراد عادی

همان‌طور که در بالا اشاره کردیم، هرگاه ورود به منزل دیگری از سوی ماموران دولتی در ارتباط با وظایف آن‌ها و با سوءاستفاده از مقام دولتی صورت نگیرد، و یا افراد عادی مرتکب چنین عملی شوند، مورد می‌تواند مشمول ماده‌ی ۶۹۴ «**قانون تعزیرات**» باشد، که اشعار می‌دارد، «**هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد...**».

قانون‌گذار در این ماده از منزل یا مسکن سخن به میان آورده که در عرف مترادف به نظر می‌رسند، مگر آن که منزل را عبارت از محل سکونت موقت (مثل اتاق هتل) و مسکن را محل سکونت دائمی (مثل خانه‌ی شخص) بدانیم. برای شمول ماده‌ی ۶۹۴، ورود به خانه یا مسکن باید با عنف یا تهدید صورت گیرد. منظور از «**تهدید**» ترساندن کسی است که در منزل ساکن است. این کار ممکن است با کلام یا رفتار (مثلاً سلاح کشیدن بر روی او)

۱۴. ماده‌ی ۱۲ (اصلاحی ۱۳۱۹) از قانون مجازات مرتکبین قاچاق، مصوب سال ۱۳۱۲، تفتیش منازل اشخاص بعد از غروب تا طلوع آفتاب را ممنوع دانسته است. این قرینه‌ای است بر این که منظور از شب، فاصله‌ی بین غروب تا طلوع آفتاب می‌باشد.

صورت گیرد. در مورد معنی «**عنف**» برخی از نویسندگان آن را به معنی عدم رضایت صاحب خانه یا متصرف قانونی دانسته‌اند.^{۱۵} در تایید این نظر می‌توان به نظریه‌ی مشورتی اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه به شرح زیر استناد کرد:

«با توجه به این که ورود اشخاص به منازل دیگران مستلزم کسب اجازه‌ی ورود به منزل می‌باشد، بنابراین کسی که در غیاب صاحب خانه وارد منزل دیگری شود و اذن ورود به منزل نیز نداشته باشد، این ورود به منزل از مصادیق **عنف** تلقی می‌گردد، و عمل مرتکب مشمول ماده‌ی ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی می‌باشد».^{۱۶}

این نظر از این باب که با پذیرش آن هرگونه ورود غیرمجاز به منزل یا مسکن دیگری، حتی بدون وجود **عنف** و خشونت، نیز قابل مجازات دانسته می‌شود مطلوب به نظر می‌رسد و با موضع قانون‌گذاران کشورها در بعضی جرایم، مثل جرایم جنسی، نیز هماهنگ است. توضیح این که در این گونه جرایم منظور از **عنف** و اکراه تنها خشونت آمیز بودن عمل نمی‌باشد، بلکه در موارد مختلفی طرف مقابل، به دلیل صغر سن یا به علت خواب، مستی، بیهوشی، عقب افتادگی ذهنی یا تحت بازداشت بودن،^{۱۷} یا به این دلیل که رضایت وی در نتیجه‌ی خدعه و فریب تحصیل شده است، مکره فرض شده و ارتکاب عمل جنسی با وی در حکم ارتکاب جرم به **عنف** و اکراه است.^{۱۸} لیکن چه بسا افرادی این

۱۵. برای مثال، رک. آقائی نیا، حسین، پیشین، ص. ۱۹۳.

۱۶. نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۴۰۲، مورخ ۱۳۸۱/۰۳/۱۲ اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه. -

17. See: Larter [1995] Crim LR 75(CA); Camplin (1845) 1 Cox CC 220.

۱۸. برای مثال از نظر حقوق انگلستان، بنا به یک فرض قانونی غیرقابل رد، کودکان کم‌تر از شانزده سال هیچ‌گاه راضی به ارتکاب عمل جنسی با افراد بالای هیجده سال فرض نمی‌شوند و کودکان زیر سیزده سال هم راضی به ارتکاب عمل جنسی با هیچ کس فرض نمی‌شوند و بنابراین رضایت ظاهری آن‌ها فاقد ارزش است. در مورد تحصیل رضایت با خدعه و فریب، در یک مورد کسی به زنی وانمود کرده بود که منظور



تفسیر را تا حدودی مغایر با اصل تفسیر مضیق نصوص جزایی بدانند، زیرا واژه‌ی «**عنف**» نشان‌گر اعمال خشونت و قهر و غلبه می‌باشد، اعم از این که اعمال خشونت آمیز علیه اشخاص، مثلاً با بستن دست و پای صاحب خانه یا حتی هل دادن وی، صورت گیرد یا علیه اموال، مثلاً با تخریب دیوار یا شکستن پنجره. با این تفسیر، ورود از روی دیوار یا از در باز و یا با حیل و تقلب را نمی‌توان مشمول ماده‌ی ۶۹۴ دانست و لازم است قانون‌گذار در این مورد از واژه‌ی دیگری استفاده کند که معنی موسع‌تری داشته باشد.

نکته‌ی دیگر این که **عنف** یا تهدید باید برای **ورود** به منزل یا مسکن دیگری صورت گیرد و نه برای ادامه‌ی **توقف** در آن. بدین ترتیب، کسی که بدون هیچ‌گونه **عنف** یا تهدیدی وارد منزل دیگری می‌شود و پس از بیدارشدن صاحب خانه با او گلاویز می‌شود تا صاحب خانه نتواند او را از خانه بیرون کند، از شمول این ماده خارج خواهد بود.^{۱۹}

بنابراین بهتر بود که مقنن در این ماده نیز از عبارتی شبیه آن‌چه که در ماده‌ی ۶۹۱ «**قانون تعزیرات**» آورده است استفاده می‌کرد تا **عنف** و تهدید موخر بر ورود را نیز در برگیرد. مطابق ماده‌ی ۶۹۱، «**هر کس به قهر و غلبه داخل ملک شود که در تصرف**

وی از رابطه‌ی جنسی انجام یک معاینه‌ی پزشکی است (Flattery, 1887, 2QBD 410) یا در پرونده‌ی دیگری، مردی با فریب دادن سه زن نسبت به این که دارای تحصیلات پزشکی است و قصد انجام تحقیقاتی را در مورد سرطان سینه دارد، به معاینه‌ی سینه‌های آنان پرداخته بود و از سوی محاکم انگلستان، باوجود رضایت ظاهری زنان و با توجه به فریب خوردن آن‌ها، به ارتکاب تجاوز و قیحانه و منافی عفت محکوم شد (R. V. Tabassum, 2000). همان‌طور که علامه حلی نیز در **تبصره المتعلمین** (ص. ۷۲۷) مقرر می‌دارد، «اگر زن بیگانه خود را در آغوش مردی افکند و چنان به او وانماید که زن اوست، حد زنا بر زن جاری می‌شود نه بر مرد». برای تفصیل رک. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص. ۵۰۱.

۱۹. رک. پاد، ابراهیم، پیشین، ص. ۲۱۳.

دیگری است، اعم از آن که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد، علاوه بر رفع تجاوز، حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود...».

البته پیشنهاد بهتر همانی است که پیش‌تر به آن اشاره شد، و آن این که مقنن در این ماده، به جای تکیه بر عنف و تهدید، مثل ماده‌ی ۵۸۰ سابق الذکر، به عدم اجازه و رضایت صاحب منزل اشاره می‌کرد، تا موجب تضییق بلاجهت دامنه و شمول ماده نشود. نکته‌ی دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که هرگاه کسی به عنف یا تهدید وارد منزل خودش که دیگری آن را غصب کرده است شود، مشمول ماده‌ی ۶۹۴ نمی‌گردد، لیکن موجری که برای مجبور کردن مستاجر به تخلیه‌ی عین مستاجره به عنف یا تهدید وارد آن می‌شود، مشمول این ماده خواهد شد.^{۲۰}

۵-۱- موارد تشدید مجازات

در انتهای ماده‌ی ۶۹۴، مجازات مرتکبانی که «دو نفر یا بیش‌تر بوده و لااقل یکی از آن‌ها حامل سلاح باشد» تشدید شده و به یک تا شش سال حبس افزایش یافته است. منظور از سلاح در این بخش از ماده اعم از سلاح سرد یا گرم، ظاهر یا مخفی و پر یا خالی است، ولی ابزار بدلی و تقلبی را که درواقع نام سلاح بر آن‌ها صدق نمی‌کند در بر نمی‌گیرد.^{۲۱}

۲۰. همان.

۲۱. برای تفصیل بحث راجع به معنی سلاح، رک. میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۸۹، صص. ۲۹۸-۲۹۷.

ماده‌ی ۶۹۵ «قانون تعزیرات» در مورد ارتکاب جرایم در شب مقرر داشته است، «چنانچه جرایم مذکور در مواد ۶۹۲ و ۶۹۳ در شب واقع شده باشد، مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌شود». برخی با توجه به سابقه‌ی تقنینی این ماده، که بازنویسی ماده‌ی ۲۶۷ «قانون مجازات عمومی» سابق می‌باشد و با توجه به ذکر ماده‌ی ۶۹۵ بعد از ماده‌ی ۶۹۴، معتقدند که ذکر ماده‌ی ۶۹۲ در آن اشتباه و منظور مقنن ماده‌ی ۶۹۴ بوده است.^{۲۲} (یعنی همان اشتباهی که مقنن در ماده‌ی ۶۲۰ مرتکب شده و در ذکر کیفیت مشدده به جای ماده‌ی ۶۱۹ از ماده‌ی ۶۱۶ نام برده است).

۲. تهدید اشخاص

۱-۲- مقدمه

حق آزاد بودن از هرگونه ترس و واهمه در مقدمه‌ی «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از اهداف «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» نیز رسیدن به جهانی است که در آن همه‌ی افراد بشر از ترس و واهمه آزاد باشند. بنابراین، تهدید کردن اشخاص، از آن جهت که موجب ترس و واهمه در آنها می‌شود ناقض یکی از حقوق بنیادین بشر می‌باشد. در حقوق جزا نیز نمونه‌ها و مصادیق گوناگونی از تهدید کردن اشخاص جرم محسوب شده است، که مهم‌ترین آنها تهدید کسی به قتل یا ضررهای دیگر است. این جرم در ماده‌ی ۶۶۹ «قانون مجازات اسلامی» به این شرح مورد پیش‌بینی مقنن قرار گرفته است:

۲۲. شکری، رضا، و سیروس، قادر، «قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی»، تهران، نشر مهاجر، ۱۳۸۱، ص. ۷۹۵.

«هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد»^{۲۳}.

۲-۲- شرایط تحقق جرم

برای تحقق جرم موضوع این ماده باید تهدید، یعنی ترساندن طرف مقابل به هر آنچه که برای وی زیان بار یا ناخوشایند است، انجام شود. این تهدید، بنا به تصریح ماده، باید به قتل یا ضررهای نفسانی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به شخص یا بستگان او باشد. هرگاه ضرر، بنا به قضاوت عرف، کوچک و قابل اغماض باشد، این جرم محقق نمی‌شود، مثل این که مغازه‌داری مشتری را تهدید به گران فروختن اجناسش به وی کند، یا مقام مافوق اداری کارمند زیردست خود را تهدید به ندادن مرخصی یا اضافه کاری کند. برای تحقق این جرم، ضرر بستگان نیز کفایت می‌کند؛ لیکن، منظور از بستگان خویشاوندان نزدیک سببی یا نسبی فرد می‌باشند که ورود ضرر به آنها برای فرد نگران کننده است. بنابراین نمی‌توان آن را شامل خویشان دور مرتکب که وضعیت آنها چندان اهمیتی برای مرتکب ندارد، دانست.

منظور از **ضرر نفسانی**، ضرری است که متوجه جسم طرف مقابل باشد، مثل این که وی را تهدید به کتک زدن یا بریدن اعضای بدن نمایند. منظور از **ضرر شرفی**، ضرری

۲۳. بهتر بود که مقنن در این ماده نیز به جای واژه‌ی «زندان» از واژه‌ی «حبس» استفاده می‌کرد که هم صحیح تر است (چون زندان معمولاً به معنی محبس یعنی محل زندان به کار می‌رود) و هم باعث هماهنگی این ماده با سایر مواد قانونی از لحاظ نگارش می‌شود.

است که متوجه آبروی طرف باشد، مثل این که وی تهدید شود که شایعاتی در مورد اختلاف خانوادگی یا چند همسر داشتن یا نابسامان بودن وضعیت مالی وی پخش شود. منظور از **ضرر مالی**، ضرری است که متوجه حقوق مالی طرف مقابل باشد، مثل این که وی تهدید به آتش زدن خودرو یا خانه‌اش شود. منظور از **افشای سر افشای** چیزی است که طرف مقابل بر مکتوم و پنهان ماندن آن اصرار دارد، مثل این که کسی دیگری را به افشای سوء پیشینه‌ی کیفری یا روابط جنسی او و یا همسر اولی که قبل از همسر فعلی اختیار کرده است، تهدید نماید.

خواسته‌ی تهدیدکننده مهم نیست؛ وی ممکن است درخواست مالی داشته باشد که در چنین حالتی این عمل در حقوق انگلستان و اسکاتلند **اخاذی**^{۲۴} نامیده می‌شود، یا ممکن است درخواست وی برقراری رابطه‌ی جنسی باشد که در چنین حالتی این عمل در حقوق انگلستان جرم خاصی به موجب بخش دوم «**قانون جرایم جنسی**»^{۲۵} مصوب سال ۱۹۵۶ می‌باشد، یا ممکن است درخواست وی اخذ طلبش باشد که در چنین حالتی هم این عمل از نظر حقوق انگلستان، مشمول عنوان اخاذی قرار می‌گیرد.^{۲۶}

از سوی دیگر، هرگاه تهدیدکننده هیچ درخواستی نداشته و به عبارت دیگر، تقاضای انجام فعل یا ترک فعلی را هم نکرده باشد باز بنا به تصریح ماده‌ی ۶۶۹، مشمول ماده قرار خواهد گرفت. به علاوه، در صورتی که تهدیدکننده خواسته‌ای هم داشته باشد، رسیدن وی به آن خواسته شرط تحقق جرم موضوع ماده‌ی ۶۶۹ نیست. به عبارت دیگر این جرم مطلق بوده و مقید به نتیجه نمی‌باشد. لیکن از نظر عنصر روانی، مرتکب باید عمد در تهدید

24. Blackmail; Extortion.

25. Sexual Offences Act, 1956.

26. See: Jefferson, *op. cit.*, p. 440.

داشته و از این که تهدید وی موجب ناراحتی و نگرانی طرف مقابل خواهد شد آگاه باشد، ولی انگیزه‌ی مرتکب موثر در مقام نیست.

تهدید کردن، بنا به تصریح ماده‌ی ۶۶۹، به هر نحو کفایت می‌کند، اعم از این که به شکل شفاهی یا مکتوب یا با ارسال پست الکترونیکی (ای میل) یا پیام کوتاه تلفن همراه (SMS) و نظایر آن‌ها باشد. همین طور، تهدید ممکن است «غیر مستقیم» باشد، مثل این که مطلب تهدیدآمیز به «الف» گفته شود، با علم به این که وی آن را به «ب» که شخص مورد نظر تهدید کننده است، منعکس خواهد کرد. لیکن تهدید باید صریح باشد. بنابراین، اگر کسی مثلاً در یکی از روزهای ماه محرم که ماه حرام است به دیگری بگوید، «اگر ماه محرم نبود تو را می‌کشتم»، جرم موضوع ماده‌ی ۶۶۹ محقق نشده است. به علاوه، به نظر می‌رسد که از نظر حقوق ایران، تهدید باید به سمع طرف مقابل برسد. از این نظر، موضع حقوق انگلستان متفاوت است. مجلس اعیان، جرم اخاذی را به صرف پست کردن نامه‌ی تهدیدآمیز، حتی قبل از خوانده شدن آن توسط طرف مقابل، محقق دانسته و مقرر داشته است که از لحظه‌ی مذکور تا زمانی که شخص مورد تهدید نامه را باز کرده و می‌خواند، این تهدید مستمراً ادامه دارد.^{۲۷} به این ترتیب، تهدید کردن دیگری به وسیله‌ی نمابر (فاکس)، از نظر حقوق انگلستان، به محض ارسال نامه از این طریق محقق می‌شود، حتی اگر نامه‌ی ارسالی چند روز بعد توسط شخص مورد تهدید خوانده شود.^{۲۸} همین حکم را باید در مواردی هم که سخنان تهدیدآمیز بر روی دستگاه پیام‌گیر تلفنی شخص مورد تهدید ضبط شده ولی هنوز استماع نشده است جاری دانست.

27. Teacy V. D. P. P. [1971] AC 537 (H. L.).

28. Jefferon, *op. cit.*, p. 439.

در این جا اشاره به این نکته مفید به نظر می‌رسد که هرگاه تهدید به اعمال خشونت فوری برای اخذ مال باشد و به بردن مال منجر شود، ممکن است جرم «سرقه مقرون به آزار یا تهدید» ارتکاب یابد؛ مثل این که کسی با گرفتن چاقویی در مقابل دیگری او را تهدید کند که اگر کیف پولش را به وی ندهد کشته خواهد شد، و پس از گرفتن کیف پول بگریزد.^{۲۹}

۳-۲- مطالعه تطبیقی

تهدید به قتل که در ماده‌ی ۶۶۹ به آن اشاره شده، در اکثر قوانین کیفری دنیا، بدون توجه به نتیجه‌ی حاصله از تهدید و یا هدف تهدیدکننده از اعمال آن، جرم محسوب می‌شود. برای مثال در انگلستان، به موجب بخش (ماده) ۱۶ اصلاحی «قانون جرایم علیه اشخاص»^{۳۰}، مصوب سال ۱۸۶۱، و بخش (ماده) ۱۲ «قانون حقوق جزا»^{۳۱}، مصوب سال ۱۹۷۷، تهدید به کشتن غیر (اعم از خود شخص تهدیدشونده یا دیگری) جرم محسوب می‌شود. در پرونده‌ی «اونیون»^{۳۲} در سال ۱۹۹۶، متهم به چند زن گفته بود که دختران آنها را ربوده است و در صورتی که اعمال جنسی مورد نظر وی را انجام ندهند فرزندان آنها را خواهد کشت. وی به جرم موضوع ماده‌ی ۱۶ محکوم شد. تهدید به کشتن جنین با توجه به این که انسان زنده‌ی بالفعل محسوب نمی‌شود، جرم موضوع ماده‌ی ۱۶ محسوب

۲۹. این عمل ممکن است مشمول ماده‌ی ۶۵۲ «قانون تعزیرات» باشد، زیرا تهدید را می‌توان نوعی «آزار معنوی» دانست. برای تفصیل، رک. میرمحمدصادقی، حسین، **جرایم علیه اموال و مالکیت**، نشر میزان، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۹، صص. ۲۹۷-۲۹۵.

30. Offences Against the Person Act, 1861.

31. Criminal Law Act, 1997.

32. Onyon (1996) 15 Cr APP R (S) 663.

نمی‌گردد.^{۳۳} تهدید به ایراد جراحت جسمانی (مثلا بریدن اعضای بدن) نیز از نظر حقوق انگلستان جرم محسوب نمی‌شود که این موضوع قابل انتقاد به نظر می‌رسد. به همین دلیل در پیش نویس قانون جزای مدونی^{۳۴} که تدوین و تصویب آن سال‌هاست در انگلستان مورد بررسی است، این نوع تهدید جرم‌انگاری شده است.^{۳۵} زیرا این امر معقول نیست که تهدید به تخریب مال غیر، به موجب ماده‌ی ۲ «**قانون تخریب کیفری**»^{۳۶} مصوب سال ۱۹۷۱، جرم به شمار آید، ولی تهدید به ایراد جراحت جسمانی فاقد وصف مجرمانه باشد. بنابراین و در همین راستا، قانون خاصی در سال ۱۹۹۷ به نام «**قانون حمایت از اشخاص در قبال مزاحمت**»^{۳۷}، تصویب شد که به موجب ماده‌ی ۲ آن هرگاه کسی «**رویه‌ای**» را در پیش گیرد که موجب ایجاد مزاحمت برای دیگری شود، مرتکب جرم خواهد شد. با توجه به اشاره‌ی قانون به «**رویه**»^{۳۸}، محاکم نظر داده‌اند که مرتکب باید حداقل دوبار عمل خود را تکرار کرده و بین این دوبار نیز رابطه‌ای برقرار باشد تا مشمول قانون مورد اشاره قرار گیرد.^{۳۹} هرگاه رویه‌ی اتخاذ شده از سوی مرتکب، قربانی را از اعمال خشونت علیه وی بترساند، طبق ماده‌ی ۴ قانون، جرم سنگین‌تری با مجازات حداکثر پنج سال حبس ارتکاب می‌یابد. تفاوت جرم اخیر با جرم «**تهاجم**»^{۴۰} در حقوق انگلستان این است که در این جا

33. Tait [1990] 1QB 290.

34. Draft Criminal Code.

35. Jefferson, *op.cit.*, p. 479.

36. Criminal Damage Act, 1971.

37. The Protection from Harassment Act, 1997.

38. Course of Conduct.

39. Hills [2001] Crim LR 318; Law V. D. P. P. [2000] Crim LR 580.

40. Assault.

فوری بودن خشونت، یعنی این که قربانی از اعمال خشونت **فوری**^{۴۱} علیه خود بترسد، ضرورتی ندارد؛ در حالی که این شرط برای تحقق جرم «**تهاجم**» ضروری است.^{۴۲}

مطابق ماده‌ی ۱۷-۲۲۲ قانون جزای فرانسه، تهدید به ارتکاب یک جرم شدید^{۴۳} علیه دیگری، در صورتی که به طور مکرر یا در قالب یک مدرک مکتوب یا تصویر یا هر چیز دیگری انجام شود، موجب محکوم شدن مرتکب به شش ماه حبس و ۷۵۰۰ یورو جریمه خواهد شد، و در صورتی که تهدید به قتل باشد، میزان مجازات به سه سال حبس و ۴۵۰۰۰ یورو جزای نقدی افزایش می‌یابد. هرگاه تهدید توأم با دستور عملی ساختن شرط خاصی توسط قربانی باشد، مجازات مرتکب سه سال حبس و ۴۵۰۰۰ یورو جزای نقدی خواهد بود؛ در حالت اخیر، در صورتی که تهدید به قتل باشد، میزان مجازات به پنج سال حبس و ۷۵۰۰۰ یورو جزای نقدی افزایش خواهد یافت.

در حقوق اسکاتلند، تهدیدات دو نوع است. دسته‌ی اول آن‌هایی که فی نفسه و بدون توجه به انگیزه‌ی تهدیدکننده جرم محسوب می‌شوند. این تهدیدات شامل تهدید به ارتکاب اعمال شدیدی مثل کشتن دیگری یا ایراد صدمه‌ی شدید جسمانی، مالی یا حیثیتی به وی می‌باشند. در این موارد، به صرف بیان کردن تهدید یا پست کردن نامه‌ی تهدیدآمیز جرم محقق می‌شود. لیکن دسته‌ی دوم عبارت‌اند از تهدید به خشونت‌های سبک‌تر که در این موارد، با توجه به هدف و انگیزه‌ی تهدیدکننده از اعمال آن‌ها، ممکن است جرایم مختلفی رخ دهد. برای مثال، اگر هدف دستیابی به منافع مالی باشد، جرم اخاذی، و اگر

41. Imminent.

۴۲. برای مطالعه‌ی شرایط تحقق این جرم، رک. میرمحمدصادقی، حسین، **جرایم علیه اشخاص**، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۹، صص. ۷۷-۷۵.

۴۳. منظور از جرم شدید، بنا به تصریح ماده، جرمی است که طبق قانون شروع به ارتکاب آن قابل مجازات باشد.

هدف بازداشتن شاهد از ادای شهادت در دادگاه باشد، جرم «تلاش برای منحرف کردن جریان عدالت»^{۴۴} ارتکاب می‌یابد.^{۴۵}

۴-۲- ارتکاب جرم علیه اشخاص حقوقی

آخرین نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که با توجه به کاربرد واژه‌هایی مثل «دیگری»، «ضرر شرفی» و «خود یا بستگان» در ماده‌ی ۶۶۹ «قانون تعزیرات»، این جرم تنها علیه اشخاص حقیقی قابل ارتکاب است و نمی‌توان، به صرف این که ماده‌ی ۵۸۸ «قانون تجارت» اشخاص حقوقی را از کلیه‌ی حقوق و تکالیف اشخاص حقیقی، مگر حقوق و وظایفی که طبیعتاً مختص انسان‌هاست، برخوردار کرده آن را شامل اشخاص حقوقی نیز دانست.^{۴۶}

44. Attempt to Prevent the Course of Justice .

45. See: Gordon, G. H., **Criminal Law**, Edinburgh .3rd ed.2001, pp. 430- 431.

۴۶. برای ملاحظه نظر مخالف، رک. آقائی نیا، حسین، پیشین، ص. ۱۸۲.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه که مورد بررسی قرار گرفت، می توان گفت که حق بر آرامش و برخورداری از یک زندگی مبرا از هر گونه تهدید و تعرض ناروا یکی از حقوق بنیادین هر انسان می باشد که در میثاق ها و اسناد بین المللی گوناگون و قوانین اساسی بسیاری از کشورها مورد تأکید قرار گرفته است. این حق آنچنان بنیادین و نقض آن چنان قبیح و غیرقابل قبول می باشد که برای نقض این حقوق ضمانت اجرای کیفری در قوانین ایران و سایر کشورها پیش بینی شده و گاه ارتکاب این جرایم از سوی ماموران دولتی، به دلیل قدرت و اختیارات بیش تری که دارند، موجب تشدید مجازات دانسته شده است. مطالعه تطبیقی ما در این مقاله نشان می دهد که هر چند قوانین کیفری ایران در این زمینه حداقل های لازم را پیش بینی کرده اند، لیکن قطعا در پرتو مباحث جدیدی که در قوانین و رویه های قضایی سایر کشورها مطرح شده، امکان ارتقای مقررات قانونی ایران در این حوزه وجود دارد.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. آقائی نیا، حسین، **جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)**، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
۲. پاد، ابراهیم، **حقوق کیفری اختصاصی**، جلد ۱، تهران، انتشارات رهام، ۱۳۸۱.
۳. شکری، رضا و سیروس، قادر، «**قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی**»، تهران، نشر مهاجر، ۱۳۸۱.
۴. علامه حلی، **تبصره المتعلمین**.
۵. گلدوزیان، ایرج، **حقوق جزای اختصاصی**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.
۶. میرمحمد صادقی، حسین، **تحلیل مبانی حقوق جزا**، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۷. میرمحمد صادقی، حسین، **جرایم علیه اشخاص**، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۸ و چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
۸. میرمحمد صادقی، حسین، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، تهران، نشر میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۸۹.
۹. میرمحمد صادقی، حسین، **جرایم علیه اموال و مالکیت**، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و ششم، ۱۳۸۹.

ب) انگلیسی

1. Gordon, G.H., **Criminal Law**, Edinburgh, 3rd ed., 2001.
2. Jefferson, M., **Criminal Law**, London, Financial Times, 4th ed., 1999.